

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

انتم معصومین علیهم السلام

همطراز قرآن مبین

۲۶ آبان ۱۳۸۹

۱۰ ذی الحجه ۱۴۳۱

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلّى الله على سيّدنا محمّد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله تبارك وتعالى :

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴾^(۱).

خداوند فقط می خواهد پلیدی [گناه] را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد .

چکیده سخن

در جلسات گذشته و در توضیح و تفسیر آیه تطهیر، تمامی کلمات این آیه را بررسی نمودیم و درباره « اراده الله » نیز سخن گفتیم و به این سؤال پاسخ دادیم که آیا منظور از اراده الهی در این آیه، اراده تشریحی است یا اراده تکوینی؟ به این بیان که اراده تکوینی خداوند متعال به طهارت و عصمت اهل بیت علیهم السلام تعلق گرفته و او خواسته است که ایشان علیهم السلام از هر گونه پلیدی و زشتی پاک و معصوم باشند .

۱. سوره احزاب، آیه ۳۳.

به عبارت دیگر، خدای تبارک و تعالی ظرف دل و قلب حضرات معصومین علیهم السلام (اهل بیت علیهم السلام و انبیای عظام الهی) را پذیرای علم بواطن و ملکوت آفرینش و آیات آفاقی و انفسی و تشریحی قرار داده است و آنها می‌توانند ملکوت عالم آفرینش را ببینند.

بحث دیگری که مطرح گردید، علم حصولی و علم حضوری بود و بیان نمودیم که منظور از علم در این بحث، علم حضوری است نه علم حصولی. برای روشن شدن این نکته، درباره علم امام علیه السلام توضیحاتی دادیم.

مطلب دیگری که به آن اشاره شد این بود که تمام آیات الهی - چه آیات آفاقی و انفسی و چه آیات تشریح - علاوه بر ظاهر، باطن و ملکوتی دارند. برای مثال در مورد آیات تشریح الهی تا هفت بطن ذکر شده است.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

«إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَبَطْنَاً وَبَطْنَاً وَبَطْنَاً إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ»^(۱).

قرآن کریم ظاهری دارد و باطنی، باطنش هم بطنی دارد تا هفت بطن.

خداوند متعال برای رؤیت و مشاهده عالم باطن و ملکوت - مانند عالم ملک و ظاهر که با چشم سر قابل رؤیت و دیدن است - ابزار و وسیله آن (قلب) را به انسان عنایت نموده است. در این مقام، موانع و حجاب‌هایی که در مقابل چشم دل و باطن قرار می‌گیرند و انسان را از نگریستن به ملکوت آیات آفاقی و انفسی و آیات تشریح الهی محروم می‌نمایند، ذکر نمودیم.

۱. عوالی اللثالی، جلد ۴، صفحه ۱۰۷؛ تفسیر الصافی، جلد ۱، صفحه ۳۰.

دیدن و مشاهده بواطن و حقایق عالم آفرینش برای تمام انسان‌ها ممکن است و ابزار آن هم در اختیار همگان قرار دارد. مؤمنان و خواصی که مراحل سلوک إلى الله را طی می‌کنند، می‌توانند چشم دل و باطن خود را تقویت نمایند و از ایجاد حجاب و پرده در مقابل آن جلوگیری کنند؛ به همین دلیل مشاهده عالم ملکوت در رأس خواسته‌های انبیا و اولیای الهی علیهم‌السلام قرار دارد و با اخلاص به درگاه الهی می‌گویند:

«اللَّهُمَّ ارني الحقائق كما هي»^(۱).

خدایا! حقایق [عالم آفرینش] را همان گونه که هستند، به من نشان بده.

همچنین بیان کردیم مراد از طهارت در آیه تطهیر، طهارت ظاهری نیست بلکه طهارت باطنی است که بالاترین مرتبه آن طهارت قلب است.

شخصی از حضرت امام صادق علیه‌السلام در مورد آیه

﴿إِلَّا مَنْ أتى الله بقلب سليم﴾^(۲).

مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه پروردگارش آید.

سؤال کرد، ایشان علیه‌السلام فرمودند:

«السلیم الَّذی یلقى ربّه و لیس فیهِ أحدٌ سواه»^(۳).

قلب سلیم آن است که به دیدار پروردگارش می‌شتابد در حالی که هیچ کس به غیر از خداوند در آن نیست.

۱. عوالی اللثالی، جلد ۴، صفحه ۱۳۲.

۲. سورة شعراء، آیه ۸۹.

۳. بحار الأنوار، جلد ۶۷، صفحه ۵۹؛ کافی، جلد ۲، صفحه ۱۶؛ وسائل الشیعه، جلد ۱۰، صفحه ۶۰.

چنین انسانی - که از قید و بند تمام تعلقات و وابستگی‌های دنیوی رها شده - لایق و شایسته سجده کردن است؛ از همین رو خداوند متعال به ملائکه دستور داد که در مقابل حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ سجده کنند.

مرحوم علامه فیض رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در توضیح پاک کردن و تطهیر قلب، ذیل آیه شریف:

﴿وَحَلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا﴾^(۱).

و با دستبندهایی از نقره آراسته‌اند و پروردگارشان شراب طهور به آنان می‌نوشاند.

از حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند:

« يَطَهَّرُهُمْ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ سِوَى اللَّهِ »^(۲).

خداوند متعال آن‌ها را از هر چیزی غیر از خودش پاک و تطهیر می‌کند.

آن شراب طهوری که خداوند متعال با خوردن آن به مؤمنان، دل و قلب آن‌ها را از همه چیز جز خودش پاک و تطهیر می‌کند، چیست؟ سکر به معنی بریدن و مستی و غفلت از همه چیز است. کسی که شراب طهور را می‌نوشد از همه جا بریده می‌شود و نسبت به همه چیز غفلت پیدا می‌کند، جز یک جا و آن ذات قدوسی حق تعالی است که مؤمن به آنجا متصل می‌شود، بر خلاف کسی که شراب (خمر) می‌نوشد که او به همه چیز پیوند می‌خورد و فقط از خدای تبارک و تعالی بریده می‌شود.

۱. سوره انسان، آیه ۲۱.

۲. تفسیر الصافی، جلد ۷، صفحه ۳۶۴؛ تفسیر مجمع البیان، جلد ۱۰، صفحه ۲۲۳.

این مقام و مرتبه که با نوشیدن شراب طهور برای انسان مؤمن حاصل می‌شود، همان است که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این سخن به آن اشاره می‌فرماید:

« ما رأیت شیئاً إلا ورأیت الله قبله وبعده ومعه »^(۱).

هیچ چیزی را ندیدم مگر اینکه خداوند متعال را قبل و بعد و همراه آن چیز دیدم.

بنابراین طهارت دل و قلب، این مقام را برای انسان به ارمغان می‌آورد. خداوند متعال در سوره واقعه^(۲) می‌فرماید:

﴿ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ * وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ * إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ * فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ * لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ * تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴾^(۳).

سوگند به جایگاه ستارگان [ومحل طلوع و غروب آنها]! * و این سوگندی است بسیار بزرگ اگر بدانید * آن قرآن عظیمی است * که در کتاب محفوظی جای دارد * و جز پاکان نمی‌توانند به آن دست زنند * آن از سوی پروردگار عالمیان نازل شده است.

خداوند متعال در آیات فوق به «مواقع نجوم» قسم یاد می‌کند. مواقع نجوم

۱. شرح اسماء الحسنی، جلد ۱، صفحه ۱۸۹؛ شرح اصول کافی، جلد ۳، صفحه ۸۳ (با کمی تفاوت).

۲. خواندن سوره واقعه بعد از نماز عشاء به طور مستمر برای وسعت رزق و روزی بسیار مؤثر است.

۳. سوره واقعه، آیه ۷۵-۷۹.

به مکانی می‌گویند که ستاره‌ها در آن ظاهر می‌گردند؛ ولی در روایات دو تفسیر برای مواقع نجوم ذکر شده است:

۱. در بعضی از روایات، مواقع نجوم به زمان تنجیم و تقطیع نزول قرآن تفسیر شده است. در توضیح مراد این روایات، باید گفت که قرآن کریم در یک مرتبه و یک زمان به طور کامل نازل گردید. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾^(۱).

ما آن (قرآن) را در شب قدر نازل کردیم.

طبق این آیه، قرآن کریم یک مرتبه به بیت المعمور یا قلب مقدس پیامبر گرامی اسلام ﷺ نازل گردید و بعد از آن حضرت جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام به مناسبت‌های خاص، آیه یا آیاتی را به رسول خدا ﷺ ابلاغ می‌کرد.

مواقع نجوم به معنای تنجیم و تقطیع است، به این معنا که قرآن یک بار به طور کامل نازل شد و بعد از آن در زمان‌های مقتضی کم‌کم به مردم ابلاغ گردید و از آنجا که این زمان‌ها، زمان‌های مقدسی بود، خداوند متعال به آن قسم خورده است.

۲. در بعضی از روایات، مواقع نجوم به معصومین و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام تفسیر گردیده است. مرحوم صدوق رَحِمَهُ اللَّهُ از مفضل بن عمر^(۲) نقل می‌کند:

«سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام يَقُولُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ

۱. سوره قدر، آیه ۱.

۲. گفتنی است که اسناد مرحوم صدوق رَحِمَهُ اللَّهُ تا مفضل بن عمر، تام و صحیح است.

النُّجُومُ ﴿ یعنی به الیمین بالبرائة من الائمة ﷺ یحلف بها الرجل ،
 یقول إنَّ ذلك عندالله عظیم ﴾^(۱) .

از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: گفتار خداوند
 عزوجل که فرموده: «سوگند به جایگاه ستارگان»، یعنی سوگند
 خوردن به بیزاری از ائمه هدی علیهم السلام که شخصی به آن قسم
 می خورد. خداوند متعال می فرماید: این سوگند نزد خداوند
 بسیار عظیم است.

در این روایت، نجوم به ستارگان روی زمین یعنی حضرات ائمه علیهم السلام - که امان
 اهل زمین هستند و برای مردم امنیت فکری و روانی ایجاد می کنند - تفسیر
 گردیده و خداوند متعال به وجود مقدس ایشان قسم خورده است.
 بعد از اینکه خداوند متعال به مواقع نجوم قسم یاد می کند، می فرماید: ﴿وَأِنَّهُ
 لَقَسَمٌ لِّوُتَّعْلَمُونَ عَظِيمٌ﴾؛ این قسم اگر بفهمید و بدانید، قسم بزرگی است.
 در آیه بعد آمده است: ﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ﴾؛ این قرآن، قرآن کریم است. قرآن
 همین کتابی است که در دست مسلمانان قرار دارد.
 اما «کریم» به چه معنا است؟ کریم، در لغت این گونه معنا شده است:
 «یطلق الکریم من کلّ شیء علی أحسنه»^(۲) .
 به بهترین فرد از هر چیزی کریم اطلاق می شود.

۱. من لایحضره الفقیه، جلد ۳، صفحه ۳۷۷؛ تفسیر الصافی، جلد ۵، صفحه ۱۲۸؛ جامع
 أحادیث الشیعة، جلد ۱۹، صفحه ۴۵۸.
 ۲. المنجد، ذیل.

بهترین فرد از هر جنسی را «کریم» گویند و در قرآن مجید هم لفظ «کریم» به عنوان صفت برای کلماتی مانند: رزق یا قول به معنای بهترین روزی و بهترین سخن به کار رفته است.

در قرآن کریم آمده است:

﴿فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ﴾^(۱).

پروردگار من، غنی و کریم است.

و این در حقیقت به معنای احسان و نعمت‌های آشکار او است؛ چنانچه لغویین در توصیف خدای تبارک و تعالی گفته‌اند:

«فهو اسمٌ لإحسانه وإنعامه المتظاهر»^(۲).

کریم، اسم برای احسان خداوند متعال و نعمت‌های آشکار او است.

و توصیف انسان به «کریم» به این معنا است:

«فهو اسمٌ للأخلاق وللأفعال المحمودة، التي تظهر منه»^(۳).

کریم، اسم برای اخلاق و کارهای پسندیده‌ای است که از انسان ظاهر می‌شود.

وقتی انسان کار خوبی انجام می‌دهد و دیگران از آن باخبر می‌شوند، می‌گویند: او انسان کریمی است. در نقطهٔ مقابل کرم، بخل قرار دارد؛ البته کریم بودن فقط به معنای بذل و بخشش پول و مال نیست، بلکه اخلاق پسندیده هم

۱. سورهٔ نمل، آیهٔ ۴۰.

۲. مفردات راغب، صفحهٔ ۴۶۶.

۳. همان.

در دایره این لفظ قرار می‌گیرد؛ بنابراین می‌توان به انسان خنده‌رو، متواضع و کسی که از مشکلات مردم گره می‌گشاید، «کریم» اطلاق کرد.

در حقیقت وقتی می‌گوییم: «قرآن، کریم است» به این معنا است که قرآن بهترین کتاب است، دارای عزت و رفعت و شرافت است، از همه چیز در عالم برتر و والاتر است (أحسن من کلّ شيء)، احسان و انعام خداوند متعال است، خیر آن به مردم می‌رسد، بذل و نفع است. تمام این احتمالات در تفسیر کریم بودن قرآن جاری است و البته جمع آن‌ها هم مانعی ندارد.

گفتنی است علاوه بر اینکه خود قرآن، کریم است، فرستنده آن نیز - که ذات قدوسی حق متعال است - کریم است:

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَزَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ﴾^(۱).

ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار کریمت مغرور ساخته است؟!

همچنین آورنده آن هم (حضرت جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام) کریم است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ * ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ﴾^(۲).

که این (قرآن) کلام فرستاده بزرگواری است (جبرئیل امین) که صاحب قدرت است و نزد (خداوند) صاحب عرش، مقام والایی دارد!

۱. سوره انفطار، آیه ۶.

۲. سوره تکویر، آیه ۱۹ و ۲۰.

پیامبری هم که این پیام کریمانه از سوی خدای کریم و به وسیله جبرئیل کریم به او ابلاغ شده است، کریم است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ * وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُوْمِنُونَ﴾^(۱).

که این قرآن گفتار رسول بزرگواری است و گفته شاعری نیست، اما کمتر ایمان می‌آورید!

توضیح و تفسیر واژه کریم به این دلیل بود که اهمیت تفسیر آیات قرآن مجید را نشان دهیم و خاطر نشان سازیم که تفسیر قرآن کار هر کس نیست. تفسیر قرآن را باید فقیه متخصصی که عمق کلام وحی را دریافته باشد، بیان کند. ممکن است شخصی از یک مفسر مطالبی را بشنود یا از یک کتابی مطالبی را اقتباس کند و سپس آن را به عنوان تفسیر برای مردم بازگو نماید؛ اما فحوص و جستجو در آیات قرآن و تفسیر آیه به آیه قرآن و تفسیر آیات به وسیله روایات و کلمات اهل بیت علیهم‌السلام فقط از فقیه متخصص ساخته است؛ چرا که حضرت امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

«إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِطِبَ بِهِ»^(۲).

فقط کسی که مخاطب قرآن است و خداوند متعال او را خطاب قرار داده است، قرآن را درک می‌کند.

مخاطب قرآن، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت ایشان علیهم‌السلام هستند و دیگران باید برای فهم و تفسیر آیات قرآن، از کلمات و سخنان ایشان علیهم‌السلام استفاده کنند.

۱. سوره حاقه، آیه ۴۰ و ۴۱.

۲. کافی، جلد ۸، صفحه ۳۱۲؛ بحار الأنوار، جلد ۲۴، صفحه ۲۳۸؛ تفسیر نور الثقلین، جلد

۴، صفحه ۳۳۳.

جایگاه قرآن کریم

پس از مرور در وصف «کریم»، اینک به بررسی جایگاه قرآن کریم می‌پردازیم. دلیل این رویکرد آن است که در سایه دریافت معنایی که جایگاه قرآن دارد، درک بهتری نسبت به مقام حضرات ائمه علیهم‌السلام به دست آوریم. قرآن کریم، در کتابی مکنون جای دارد «فی کتابٍ مکنونٍ». کتاب مکنون چیست؟

«کن» در لغت این گونه معنا شده است:

«الکنّ ما یحفظ فیہ الشیء»^(۱).

آن چیزی است که شیئی را در آن نگهداری می‌کنند.

«والکنانة جعبةٌ غیر مشقوقة»^(۲).

کنانة جعبه بسته و باز نشده را گویند.

بنابراین جایگاهی که قرآن کریم در آن حفاظت می‌شود، کتابی مکنون است که در جای دیگری از قرآن، به آن لوح محفوظ اطلاق شده است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ * فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ﴾^(۳).

[این آیات سحر و دروغ نیست] بلکه قرآن با عظمت است که در لوح محفوظ جای دارد.

۱. مفردات راغب، صفحه ۴۵۹.

۲. همان، صفحه ۴۶۰.

۳. سوره بروج، آیه ۲۱ و ۲۲.

دنباله آیاتی که در صدر بحث تلاوت کردیم، آمده است ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾؛ فقط پاکیزگان می‌توانند آن را لمس و مس کنند و به آن برسند. طلاب و دانشجویان عزیز و کسانی که اندکی با ادبیات عرب آشنایی دارند، می‌دانند که ضمیر مرجع می‌خواهد. حال مرجع ضمیر «ه» در لایمسه چیست؟ مباحث گذشته مقدمه‌ای برای درک صحیح این آیه بود. اکنون برای فهم بیشتر به بررسی آن، در سه مبحث می‌پردازیم:

۱. مرجع ضمیر «یَمَسُّهُ»

در مرجع ضمیر فعل «یَمَسُّهُ» دو قول وجود دارد:

الف - قرآن

یعنی آن چیزی که نمی‌توان به آن دسترسی پیدا کرد و آن را لمس نمود، قرآن است.

ب - لوح محفوظ (کتاب مکنون)

بنابراین معنی آیه ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ چنین است: مس نمی‌کنند و دسترسی پیدا نمی‌کنند به لوح محفوظ، مگر پاکان. از دو احتمال فوق، قول دوم به دو دلیل، قابل پذیرش و به حق نزدیک‌تر است.

دلیل اول: ملاک در مرجع ضمیر، نزدیک‌ترین آن‌ها به ضمیر است و با وجود مرجع نزدیک نوبت به مرجع دور نمی‌رسد. به اصطلاح اهل ادب «الأقرب يمنع الأبعد» و نزدیک‌ترین مرجع، به کلمه «یَمَسُّهُ» «کتاب مکنون» است که در آیه قبل آمده بود.

دلیل دوم: خداوند متعال می‌فرماید:

﴿تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ﴾^(۱).

آن از سوی پروردگار عالمیان نازل شده است.

طبق این آیه شریف، قرآن برای آن‌که در دسترس همگان و قابل فهم برای آنان باشد، تنزل یافته و لباس الفاظ پوشیده تا به فهم بشر نزدیک شود و قابل لمس و دسترسی باشد؛ لذا آنچه برای همگان قابل لمس و دسترسی نیست، کتاب مکنون یا لوح محفوظ است و قرآن به خاطر نزولش قابل دسترسی است.

۲. معنای لمس

جمله «لا یمسه» یک تعبیر کنایی است؛ اما کنایه از چیست؟ در اینجا دو احتمال دارد:

الف - یعنی کسانی که پاک نیستند هیچ بهره و نصیبی از آن ندارند. (انسان وقتی به چیزی دسترسی نداشته باشد در نتیجه، بهره‌ای از آن نخواهد برد).
ب - به معنای «لا یعلمه» است و کنایه از عدم درک و ناتوانی از فهم است. «لا یمسه» یعنی هیچ‌کسی به جز پاکان نمی‌توانند آن را بفهمند و درک کنند.

۳. مصداق «مطهرون»

بحث دیگر در این آیه آن است که «مطهرون» - که می‌توانند کتاب مکنون را لمس کنند - چه کسانی هستند؟

اهل سنت و عامه، سعی کرده‌اند در روایات خود، مصداق «مطهرون» را «ملائکه» معرفی کنند. سیوطی در تفسیر آیه ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ روایات

۱. سوره واقعه، آیه ۷۹.

متعددی آورده که در آنها « مطهرون » به « ملائکه » تفسیر شده است .
سیوطی بعد از آنکه بر اساس روایات ، مراد از « مطهرون » را ملائکه می‌داند ،
از رسول الله ﷺ نقل می‌کند :

﴿ إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ * فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ ﴾ قال : عندالله في صحفِ مطهرة ﴿ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴾ قال : المقربون^(۱) .

« که آن ، قرآن کریمی است که در کتاب محفوظی جای دارد ،
فرمودند : لوح محفوظ نزد خداوند ، در صفحه‌های پاکیزه‌ای
است و در تفسیر آیه « و جز پاکان ، نمی‌توانند به آن دست زنند »
فرمودند : مراد از مطهرون ، مقربون هستند .

بنابر این روایت ، مطهرون ، همان مقربون هستند که در آیه دهم و یازدهم
سوره واقعه آمده است . خداوند متعال می‌فرماید :

﴿ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴾^(۲) .

پیشگامان پیشگام‌اند ، آنها مقربان‌اند .

پرسش دیگری که اکنون - برای فهم معنای مطهرون - مطرح می‌گردد ، آن
است که « مقربون » چه کسانی هستند ؟

در تفسیر مراد از « مقربون » ، روایات فراوانی در متون روایی خاصه و عامه
وارد شده است .

سیوطی (یکی از علمای اهل سنت) از ابن عباس نقل می‌کند :

۱ . الدر المنثور ، جلد ۶ ، صفحه ۱۶۲ .

۲ . سوره واقعه ، آیه ۱۰ - ۱۱ .

۱. « في قوله ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ﴾ قال: يوشع بن نون سبق إلى موسى ومؤمن آل يس سبق إلى عيسى وعلي بن أبي طالب عليه السلام سبق إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم» (۱).

در تفسیر قول خداوند: «پیشگامان پیشگام اند»، ابن عباس گفت: مراد از سابقون، یوشع بن نون است که در ایمان آوردن به حضرت موسی صلى الله عليه وسلم سبقت گرفت، و مؤمن آل یس که به حضرت عیسی عليه السلام سبقت گرفت و امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب عليه السلام که در ایمان به رسول خدا صلى الله عليه وسلم سبقت گرفت.

۲. « في قوله ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ﴾ قال: نزلت في حزقيل، مؤمن آل فرعون وحبیب نجار الذي ذكرني يس وعلي بن أبي طالب عليه السلام وكل رجل منهم سابق أمته وعلي أفضلهم سبقاً» (۲).

درباره قول خداوند «السابقون السابقون» گفت: این آیه درباره حزقیل مؤمن آل فرعون و حبیب نجار معروف به مؤمن آل یس و علی بن ابی طالب عليه السلام نازل شده است، همچنین درباره هر شخصی از هراتی که در ایمان آوردن به دیگران سبقت و پیشی بگیرد و امیرالمؤمنین علی عليه السلام برترین و اولین پیشی گیرندگان است.

شیخ صدوق رحمته الله از حضرت امام صادق عليه السلام نقل می‌کند:

۱. الدر المنثور، جلد ۶، صفحه ۱۵۴.

۲. همان.

« في قوله تعالى: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ﴾ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴿
قال عليه السلام: نحن السابقون ونحن الآخرون»^(۱).

در تفسیر قول خداوند « پیشگامان، پیشگام اند، آنها مقربان اند»
فرمودند: « ما پیشگامان و آخرین هستیم».

در این روایت، کلمه «الآخرین»، اشاره به آیه سیزدهم و
چهاردهم سوره واقعه می باشد که خداوند متعال می فرماید:
﴿ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ * وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ﴾.

گروه زیادی [از آنها] از امت های نخستین اند و اندکی از امت های
آخرین.

با توجه به روایات فوق، روشن می شود مقصود و مراد از «مقربون» حضرت
امیرالمؤمنین عليه السلام و اهل بیت عليهم السلام هستند که نسبت به اسلام و ایمان به خداوند و
اطاعت از دستورات او، بر تمامی انسان ها، سبقت و پیشی گرفته اند و نزدیک ترین
و مقرب ترین افراد، به بارگاه قدس الهی هستند.
حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام درباره سبقت خود در ایمان آوردن به خداوند و
قبول دعوت رسول الله صلى الله عليه وسلم می فرمایند:

« ولم يجمع بيتٌ واحدٌ يومئذٍ في الإسلام غير رسول الله وخديجة،
وأنا ثالثهما، أرى نور الوحي والرسالة وأشم ريح النبوة»^(۲).

۱. بحار الأنوار، جلد ۲۴، صفحه ۴.

۲. نهج البلاغه، خطبة (قاصعه) ۱۹۲؛ بحار الأنوار، جلد ۱۴، صفحه ۴۷۶؛ الغدير، جلد ۳،
صفحه ۲۴۰؛ از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه ابن أبي الحديد، جلد ۱۳، صفحه ۱۹۷.

در آن روزها اسلام در هیچ خانه‌ای راه نیافت، جز خانه رسول خدا ﷺ و خدیجه ع و من سومین آنان بودم. من نور وحی و رسالت را می‌دیدم و بوی نبوت را استشمام می‌نمودم.

از مجموع سخنان و شواهد ذکر شده به دست می‌آید که «مطهرون» «مقربون» و «مقربون»، «اهل بیت عصمت و طهارت ع» هستند.

علم پاگان به کتاب

«مطهرون» کسانی هستند که به «کتاب مکنون»، دسترسی دارند و فقط

آنان هستند که به آن، علم دارند؛ ولی پرسش آن است که علم آنان به کتاب چه نوع علمی است؟ آیا علم حضوری است یا علم حصولی؟

قبل از پاسخ به این پرسش، لازم است علم حصولی و حضوری را تعریف

نماییم:

۱. علم حصولی: علمی است که از راه حواس پنج‌گانه، یعنی چشم و گوش

و ... و نیز فکر به دست می‌آید. در این علم، واقعیت معلوم نزد عالم حاضر نیست و فقط صورتی از آن به وسیله حواس پنج‌گانه در ذهن انسان پدید می‌آید؛ مانند: تلاش انسان در مراکز علمی برای کسب دانش و معلومات.

۲. علم حضوری: علمی است که واقعیت معلوم نزد عالم حاضر است و عالم،

شخصیت و شخص معلوم را در وجود خود حس می‌کند. در این علم، همه معلومات یکباره به سینه انسان القاء می‌شود و همه مجهولات نزد او منکشف می‌گردد؛ مانند علم اهل بیت ع به قرآن کریم.

در قرآن کریم به هر دو علم اشاره شده است. خداوند متعال با اشاره به علم حصولی، می‌فرماید:

الف - ﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾^(۱).

و خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج نمود در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید و برای شما گوش، چشم و عقل قرار داد تا شکر نعمت او را به جا آورید.

ب - ﴿وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا﴾^(۲).

و خداوند، کتاب و حکمت بر تو نازل کرد؛ و آنچه را نمی‌دانستی، به تو آموخت و فضل خدا بر تو (همواره) بزرگ بوده است.

طبق این آیه، علمی را که به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عطا فرموده است با دو ویژگی همراه می‌داند:

۱. این علم از جانب خداوند به تو رسیده است. ۲. این علم یک فضل بزرگی از طرف خداوند است. این دو ویژگی، مختصات علم حضوری است؛ زیرا در علم حضوری بر خلاف علم حصولی، به کار بردن نیرو و ابزار برای دریافت اطلاعات، ضروری نیست؛ یعنی علمی که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دارند مانند علم افراد معمولی نیست

۱. سوره نحل، آیه ۷۸.

۲. سوره نساء، آیه ۱۱۳.

که به وسیله ابزار عادی مانند چشم، گوش و هوش و با تلاش فراوان، به دست آمده باشد، بلکه حکمت و فضلی است از جانب خداوند که به قلب ایشان صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ القاء و در دلشان قرار داده شده است.

البته درباره حکمت، در جای خود به طور مفصل به توضیح آن خواهیم پرداخت.

ج - ﴿فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِمَّا لَدُنَّا عِلْمًا﴾ * قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا * * قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا * وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا ﴿١﴾.

[در آنجا] بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که رحمت [و موهبت عظیمی] از سوی خود به او داده و علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم * موسی عَلَيْهِ السَّلَام به او گفت: «آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه بر تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است به من بیاموزی؟ گفت: تو هرگز نمی‌توانی با من شکیبایی کنی! * و چگونه می‌توانی در برابر چیزی که از رموزش آگاه نیستی، شکیبایی باشی؟

آیات فوق به داستانی اشاره می‌کند که بر اساس آن، حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام با فردی روبه‌رو می‌شود که خداوند او را به علم و دانشی که از پیش خود به او آموخته بود و او را مشمول رحمت خاص خود قرار داده بود، توصیف می‌کند و در

۱. سوره کهف، آیه ۶۵-۶۸.

تفاسیر از این فرد به حضرت خضر علیه السلام یاد شده است^(۱). پس روشن است علمی که به حضرت خضر علیه السلام داده شده بود، با علمی که افراد عادی در مراکز علمی می‌آموزند، متفاوت است.

علم و دانش اهل بیت علیهم السلام به کتاب مکنون و قرآن نیز از نوع «علم حضوری» است. در این باره روایات فراوانی در دست است؛ به عنوان نمونه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«القرآن معهم وهم مع القرآن»^(۲).

قرآن با اهل بیت علیهم السلام و اهل بیت علیهم السلام نیز همراه قرآن هستند.

عليٌّ مع القرآن والقرآن مع عليٍّ، لن يفترقا حتّى يردا عليّ الحوض»^(۳).

علی علیه السلام با قرآن است و قرآن نیز همراه ایشان علیه السلام است. آن دو هیچ وقت از هم جدا نمی‌شوند تا زمانی که کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

«عليٌّ مع الحقّ والحقّ معه، يدور معه حيث ما دار»^(۴).

۱. ر. ک: تفسیر المیزان، جلد ۱۳، صفحه ۳۳۹؛ تفسیر الصافی، جلد ۳، صفحه ۲۵۱.
۲. بحار الأنوار، جلد ۳۱، صفحه ۴۱۱؛ الاحتجاج، جلد ۱، صفحه ۲۱۴.
۳. بحار الأنوار، جلد ۳۸، صفحه ۳۵؛ أمالی (طوسی)، صفحه ۴۶۰؛ از منابع اهل سنت: مجمع الزوائد، جلد ۹، صفحه ۱۳۵، کنز العمال، جلد ۱۱، صفحه ۶۰۳؛ المعجم الأوسط، جلد ۵، صفحه ۱۳۵.
۴. بحار الأنوار، جلد ۱۰، صفحه ۴۳۲؛ از منابع اهل سنت: تاریخ مدینه دمشق، جلد ۴۲، صفحه ۴۴۹؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۲، صفحه ۲۹۷؛ مجمع الزوائد، جلد ۹، صفحه ۱۳۴؛ فیض القدیر، جلد ۶، صفحه ۴۷۴.

علی با حق و حق نیز همراه ایشان است و هر جا علی علیه السلام باشد،
حق همراه ایشان علیه السلام است.

نکاتی که از روایات فوق به دست می‌آید عبارت است از:

۱. معیت و همراهی اهل بیت علیهم السلام با قرآن یک معیت و همراهی جدایی‌ناپذیر است و هیچ فاصله یا تفاوتی بین آنها وجود ندارد؛ یعنی تمامی علوم و اوصافی که قرآن آن را دارا است، اهل بیت علیهم السلام نیز آن را دارند و بر عکس.
۲. تکرار و تقدیم و تأخیر موجود در این‌گونه روایات، دارای معنا و حکمت خاصی است.

به عبارت دیگر، در اینکه، یکبار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مقدم است و قرآن مؤخر و بار دیگر قرآن مقدم شده و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مؤخر، معنای خاصی نهفته است.

به این مثال توجه کنید: وقتی گفته می‌شود: «زید با عمرو آمد» به «عمرو» اهمیت و شرافت خاصی داده شده است. در روایت نیز وقتی گفته می‌شود «علی مع القرآن» یا «علی مع الحق»، یعنی قرآن و حق دارای حرمت و عظمت خاصی است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با آن همراه است و جمله بعد، یعنی «والقرآن مع علی» یا «والحق مع علی»، این معنا و مفهوم را می‌رساند که عظمت و شرافت قرآن و حق، بیشتر از عظمت و شرافت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیست؛ بلکه هر دو همسنگ و عدل یکدیگر هستند.

بنابراین خصوصیتی که قرآن دارد و در آیات فراوان ذکر شده‌اند، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام نیز دارند.

قرآن در آیات ذیل، خود را چنین معرفی می‌کند:

﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ﴾^(۱).

[به یاد آورید] روزی را که از هرامتی، گواهی از خودشان بر آنها برمی‌انگیزیم و تو را گواه بر آنان قرار می‌دهیم و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایهٔ هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است.

﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾^(۲).

که هیچ‌گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی‌آید؛ چرا که از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش، نازل شده است.

با توجه به آیات فوق، خداوند قرآن را به ویژگی‌ها و خصوصیات زیر توصیف می‌کند:

- الف - بیان‌کننده و روشن‌کنندهٔ هر چیز است.
- ب - هدایت‌کننده به سوی سعادت است.
- ج - رحمت است.
- د - بشارت‌دهنده است.

۱. سورهٔ نحل، آیهٔ ۸۹.

۲. سورهٔ فصلت، آیهٔ ۴۲.

هـ هیچ باطلی در آن راه ندارد و همه گفته‌های آن عین حق و حقیقت است. هنگامی که آیات فوق و روایات پیشین را کنار یکدیگر قرار دهیم به این نتیجه می‌رسیم که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام جداکننده حق از باطل و هدایت‌کننده بندگان و رحمت و بشارت برای مسلمانان و مؤمنان هستند و در گفتار و کردارشان، هیچ‌گونه باطلی راه ندارد و عین حق و حقیقت سخن می‌گویند؛ زیرا علم و دانش حقایق آفرینش نزد ایشان علیهم السلام موجود است. قرآن کریم، جامع علم اولین و آخرین است و همه نظام تکوین و تشریح در آن ذکر شده است و چون حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عدل قرآن هستند، همه علوم و دانش‌ها نیز نزد ایشان علیهم السلام متبلور و متجلی است؛ به همین علت حضرت علیه السلام بارها مردم را برای بهره‌گیری از علمش، تشویق می‌کردند و می‌فرمودند:

«سلونی قبل أن تفقدونی».

پیش از آنکه مرا از دست بدهید، سؤال‌های تان را بپرسید.

اما نادانی، چون سعد بن ابی وقاص می‌پرسد: چند مو در سر و صورت من وجود دارد^(۱)؟!

برای هر انسانی درد آور و اندوه آور است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در عصری می‌زیسته‌اند که افراد نادان و جاهلی مثل سعد بن ابی وقاص، پای منبر ایشان علیه السلام حضور می‌یافتند و چنین پرسشی را مطرح می‌کردند و این نشان از نهایت مظلومیت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است که اطرافیان‌شان هیچ معرفتی

۱. ارشاد، جلد ۱، صفحه ۳۵؛ از منابع اهل سنت؛ کنز العمال، جلد ۱۳، صفحه ۱۶۵.

نسبت به ایشان علیه السلام نداشتند. اگر آنان می دانستند که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حامل علم «ماکان وما یکون» می باشند و تمام علوم و دانش ها در سینه ایشان علیه السلام قرار دارد، هیچ گاه چنین سؤال بی ارزشی نمی پرسیدند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره مظلومیت خود می فرماید:

«أُنزِلَنِي الدَّهْرَ، حَتَّى يَقَالَ مَعَاوِيَةَ وَعَلِيٌّ علیه السلام»^(۱).

روزگار چنان شأن [ظاهری] مرا فرود آورد تا این که گفته می شد: معاویه و علی علیه السلام.

خلاصه بحث

مراد از «مطهرون» همان «مقربون» و «مقربون، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد ایشان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام» هستند. آنان علیهم السلام به علم کتاب و قرآن دسترسی دارند و علم آنان علیهم السلام به کتاب (لوح محفوظ) و قرآن، علم حضوری است که از طرف خداوند به آنها عنایت شده است. اما خداوند این علم را به چه صورت و کیفیتی به پیامبران و اهل بیت علیهم السلام و بندگان خاص خود عنایت کرده و کلید قفل همه مجهولات را در دست آنان قرار داده، ان شاء الله در جلسه بعد درباره آن بحث خواهیم نمود.

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

۱. فرحة الغری، صفحه ۷.

خودآزمایی

- ۱ «قلب سلیم» به چه قلبی اطلاق می‌گردد؟
- ۲ در روایات مواقع نجوم به چه چیزی تفسیر شده است؟
- ۳ کریم در مورد خداوند متعال و انسان به چه معنا است؟
- ۴ کریم بودن قرآن به چه معنا است؟
- ۵ در قرآن کریم کتاب مکنون به چه تفسیر شده است؟
- ۶ در مرجع ضمیر «ه» در لا یمسه چند احتمال جاری است؟ و کدام قوی‌تر است؟
- ۷ مصداق مطهرون، طبق روایات چه کسانی هستند؟
- ۸ در معنای لمس چند احتمال وجود دارد؟
- ۹ علم اهل بیت علیهم‌السلام به کتاب مکنون، علم حصولی است یا علم حضوری؟

وقتی گفته می شود «علی مع القرآن» یا «علی مع الحق»، یعنی قرآن و حق دارای حرمت و عظمت خاصی است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با آن همراه است و جمله بعد، یعنی «والقرآن مع علی» یا «والحق مع علی»، این معنا و مفهوم را می رساند که عظمت و شرافت قرآن و حق، بیشتر از عظمت و شرافت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیست؛ بلکه هر دو همسنگ و عدل یکدیگر هستند.

(صفحه ۲۳ از همین جزوه)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت : ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات :

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله بزرگوار علیه السلام

تلفن: ۴۴۴۳۴۳۴۳-۴۴۴۵۲۷۷-۴۴۴۵۲۷۷-۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir